

فصلی دیگر از کتاب هنرپیشگی
و کارگردانی، نوشته د. ج. نزموند
که آقای دکتر مهدی فروغ
آن را به فارسی برگردانده اند.

هنرپیشگی

آزمایش - سخن - دنباله سخن - لهجه - تعلیم حرکت - مطالعه شخص بازی -
ایجاد صوت - تنظیم زمان و تضاد و تقابل - حرکت دست و سر - همکاری -
تمرین بالباس - «اعصاب» - نمایش

اگر شما از جمله آن افراد خوش اقبالی هستید که روی صحنه باید
مغازله کنید سعی کنید بادل و جان آنرا بازی کنید. حتی در موقع تمرین
هم کار شما نباید تصنعی باشد. بیاد داشته باشید که هنگام بوسیدن باید
در زاویه ۴۵ درجه بایستید. بدیهی است همکاری بین دو طرف از شرایط
لازم است. و اگر هیچکدام از شما در این امر سابقه ندارید اشکالات را
بین خود حل کنید تا بازی شما مؤثر گردد. هنرپیشه‌های غیر حرفه‌ای
اغلب این صحنه‌ها را سرهم بندی میکنند و اغلب برای اینست که تمرین
کافی نداشته‌اند. یک صحنه مغازله که بادل و جان بازی شود بیش
از هر قسمت دیگر نمایش میتواند توجه و علاقه مردم را جلب کند. بقیه
هنرپیشه‌ها شاید ایما، و اشاره‌های احمقانه و بیخردانه‌ای درباره این قبیل
امور بکنند ولی توجه باین طرز فکر احمقانه دونشان شما خواهد بود.
بهر حال برای شما بی لذت نیست.
اظهار تأسف و تأثر کردن روی صحنه مسلماً مشکلتر است. تنها
پیشنهاد من در اینمورد اینست که اگر سعی کنید حزن و اندوه را بخود
مسلط کنید خود بخود و بدون زحمت اشک از چشمان شما جاری میشود.

باید غم را احساس کنید و اگر واقعاً نتوانید حالت حزن آور شخص بازی را در خود ایجاد کنید سعی کنید توجه خود را به يك حادثه ناگواری که در زندگی خودتان رخ داده است معطوف سازید . البته هنرپیشه میتواند اشک از چشمان خود جاری سازد ولی این کار مسلماً به آسانی بوسه نیست . وقتی برای تمرین نهائی آماده میشوید باید اعتماد کامل بخود داشته باشید . باید بخود تلقین کنید که به همکاران خود هم در صورت لزوم کمک خواهید کرد . اگر نتوانستید دنباله سخن طرف مقابل را بگیرید صحبت خود را قطع نکنید . اگر هنرپیشه‌ای دنباله سخن شما را نگرفت سعی نکنید او را دوباره بجای اول برگردانید مگر اینکه در نتیجه غفلت او يك قسمت از مطالب نمایشنامه یا يك عمل مهمی که در حوادث داستان تأثیر بسزائی دارد حذف شود . اگر هنرپیشه‌ها بیکدیگر اتکاء و اعتماد کامل نداشته باشند این کار هیچ لذتی نخواهد داشت . در اجرای يك نمایش ایجاد رفاقت و صمیمیت تقریباً نصف کار است . از اینجهت علاوه بردانستن عبارات و حرکات خود ، شما باید عبارات و حرکات دیگران را هم بدانید . کسی که فقط حرکات و عبارات خود را فرامیگیرد ولی باید گرفتن صحبت و حرکات دیگران مشوق آنها نمیشود نیمه هنرپیشه است . هنرپیشه‌ای که ضمن نمایش نتواند در حل مشکلات دست رفاقت به همکاران خود بدهد مسلماً بحال اجتماع مفید نیست .

ما سابقاً راجع به تمرین نهائی و نمایش از لحاظ وظایف مدیر صحنه و کارگردان صحبت کرده‌ایم و هنرپیشه با مطالعه فصلهای قبل باید بداند که از او چه انتظاراتی دارند . از شما خواهش میشود که در تمرین نهائی سعی کنید لباس پوشیده و گرم شده در ساعت معین سر جای خود حاضر باشید . این وظیفه شماست که پس از مشورت با متصدی لباس ، مراقبت کنید که لباس شما سر موعد مقرر آماده باشد و در دقیقه آخر احتیاج به حك و اصلاح نهائی نداشته باشد . سعی کنید در تمرین نهائی هم مانند شب نمایش بازی کنید . بعد از اینکه تالار نمایش پر از جمعیت نیست تنبلی و کاهلی بخود راه ندهید . از جلو دست و پای مدیر صحنه و همکارانش دور باشید و پیش از اینکه پرده باز شود در گوشه‌های صحنه ول نگردید . وقتی نمایش شروع شد سکوت کنید و سر جای خود برای دخول به صحنه آماده باشید .

برای مراقبتی که در صحت حرکات بکار میرود یا برای اشتباهاتی

که پیش میآید جرأت و اعتماد خود را از دست ندهید . این اشتباهات اجتناب ناپذیر است برای اینکه شاید نخستین مرتبه باشد که شما با هم روی صحنه بازی میکنید . اگر اشتباه کردید و لزوم اصلاح آنرا تشخیص دادید فوری آنرا اصلاح کنید و هرچه زودتر خودتان را از ورطه آن اشتباه خلاص کنید . مهمتر از همه سعی کنید با دوستانتان همکاری و به کارگردانتان کمک کنید . اگر شما در بیانات خود جمله‌ای داشته باشید که موجب تحریک خنده حضار شود تمرین نهائی برای شما اهمیت بسیار خواهد داشت . اگر در جلو جمعیت کم آن شب در این کار موفق شدید دقت کنید که در شب نمایش نیز منتظر خنده مردم بمانید .

پیش از اینکه چند کلمه راجع به شب نمایش گفته شود یکی دو جمله درباره اعصاب بیان میکنم . هر هنرپیشه خوبی در شب نمایش اعصابش ناراحت است یا لااقل کمی هیجان دارد . اگر ناراحتی شما واقعاً بحد خطرناکی برسد بهترین توصیه‌ای که بشما میتوانم بکنم اینست که حس برتری بردیگران را در خود تقویت کنید . بیاد داشته باشید که شما لااقل میتوانید بهتر از نود و نه درصد جمعیتی که برای تماشا آمده‌اند بازی کنید . بخودتان و آنچه میکنید اعتقاد داشته باشید . در حدود دو ماه تمرین کرده‌اید و احتمال خطا رفتن شما ضعیف است .

علامات ناراحتی اعصاب عبارت است از خشک شدن دهان و طپش قلب و کم شدن قوت زانو و عرق کردن زیاد . اغلب مغز شخص بکلی از کار می‌افتد و قدرت فکر کردن از انسان سلب میشود و ناراحت کننده‌تر از همه اینها اینست که در همان چینی که زبان شما خود بخود بران بیان مطلب کار میکند مغز شما بشما حکم میکند که چندین صفحه را ناگفته گذاشته و رد شده‌اید . درباره عبارات ، خودتان را ناراحت نکنید چون سوفلور بشما کمک خواهد کرد .

طرق معالجه اعصاب زیاد است . بعضی از مردم روزه میگیرند و برخی به زور چند بشقاب غذا میخورند . عده‌ای قرص گلو میمکنند و عده دیگر به بطری «ویسکی» و «برانندی» پناه میبرند . موقعی که اعصاب شما ناراحت است معمولاً چیزی نمیتوانید بخورید . پس ، از خوردن خودداری کنید . اگر اعصاب شما واقعاً ناراحت است مشروب به احتمال قوی مختصر جرأت کاذبی بشما میدهد . ولی بهتر اینست که از آشامیدن مشروب الکلی احتراز کنید و شاید بهتر باشد گیلاس مشروب را در پایان نمایش سلامت کارگردان خود بنوشید .

در شب نمایش شما مسلماً خود را مستعدتر از شبهای پیش مییابید چون جلو جمعیت بازی میکنید . هر چقدر شما در کار خود مجرب باشید حضور جمعیت شما را شاد میکند و شما را مستعدتر و مجهزتر از همیشه میسازد . سکوت انبوه جمعیت و انتظار آنها برای شنیدن کلمات شما الهام میبخشد . مکث بسیار کوتاه پس از آن خنده ناگهانی که در نتیجه شوخی شما تولید میشود ، اعتماد شما را بخودتان بیشتر میکند . بمحض اینکه شما از ناراحتی نخستین دخول بصحنه و بیان اولین جمله خود خلاص شدید ملتفت میشوید که کارگردان شما چقدر برای شما زحمت کشیده است . بتدریج بازی کردن برای شما طبیعی و کم زحمت میشود و شما خود را مخلوق قوه تصور مصنف میسازید و وجود خود را بکلی فراموش میکنید .

در همان حین که نمایش بجلو میرود و شما ذوق و شوقتان زیادتیر میشود مراقب باشید که با همکارانتان هم آهنگی داشته باشید و وقتی مردم میخندند صبر کنید تا خنده آنها تمام شود ، خواه این خنده بعلت بیان شما حاصل شده باشد خواه بسبب جمله شخص دیگر . يك نکته جالب و تعجب آور در مورد خنده اینست که اگر نمایش شما بیش از يك شب ادامه یابد بعید نیست که جمعیت شب دوم در جاهای دیگر غیر از جاهای شب اول بخنده بیافتند . بین تماشاکنها این تفاوتهای مضحك هست . بعضی اوقات خنده حضار در جاهائی که ابدأ انتظار آن نمیرفت تحريك میشود و شما باید مراقب این مسائل غیر مترقبه باشید .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی